

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال ششم، شماره بیست و سوم، تابستان ۱۳۹۳

ص ص ۱۳۰-۱۱۵

بررسی رابطه بین احساس امنیت اجتماعی و مشارکت اجتماعی

در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط

مهدی رضازاده<sup>۱</sup>

دکتر محمود علمی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۹/۲

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۲۳

چکیده

اگر چه یکی از متداول‌ترین شیوه‌های تامین امنیت اجتماعی در جوامع جهان سوم، استفاده از عوامل قهر آمیز است؛ اما به تجربه ثابت شده است به رغم سریع‌الوصول بودن امنیت از این نوع، پایداری و دوام آن کم و ناچیز است. ثبات و پایداری امنیت تنها از رهگذر نهادینه کردن آن در یک جامعه احساس مشارکت و مسئولیت عمومی در قبال امنیت اجتماعی حاصل می‌شود. جامعه آماری این تحقیق دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شوط به تعداد ۱۹۶۱ نفر و نمونه آماری مورد مطالعه در این تحقیق ۳۲۰ نفر می‌باشد که متناسب با حجم و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. حجم نمونه آماری در تحقیق حاضر با استفاده از رابطه نمونه‌گیری کوکران به دست آمده است. روش تحقیق پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین میزان احساس امنیت جانی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شوط رابطه وجود دارد. **واژگان کلیدی:** امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، دانش‌آموزان.

مقدمه

امنیت اجتماعی همواره به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی هر جامعه انسانی مطرح بوده است، زیرا وجود این پدیده در سطح جوامع نظم و بقاء را به‌عنوان مهم‌ترین کارکرد اساسی خود به وجود می‌آورد. در واقع این پدیده از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین کار ویژه‌های نهاد اجتماعی حکومت یا همان دولت می‌باشد که مردم حق خود را در مورد دفاع از حریم عمومی و خصوصی، حفظ جامعه به نهاد اجتماعی حکومت تفویض می‌کنند،

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز- ایران.

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه علوم اجتماعی؛ تبریز- ایران (نویسنده مسئول).

که این مسئله براساس دیدگاه نخبه‌گرایی بیانگر نقش بارز نهاد اجتماعی حاکمیت در تأمین امنیت در سطح جامعه بر عهده حکومت می‌باشد. در مقابل این ایده، باید اشاره به این کرد که آنچه منشاء این فرایند است باید در فرایندهای بنیادی‌تر مورد بحث قرار گیرد؛ که این فرایند (امنیت اجتماعی) در بطن جامعه جای دارد؛ بنابراین استمرار وجود ارزش‌های فرهنگی، فرایند اجتماعی شدن، وفاق و همکاری اجتماعی و ... در بین شهروندان می‌تواند از مهم‌ترین عوامل ارتقاء و تقویت امنیت اجتماعی به صورت واقعی باشد و متقابلاً این خود راه را برای مشارکت اجتماعی همه احاد جامعه فراهم می‌کند؛ در حالی که نظام‌های دولتی و حکومتی با توسل به قدرت نظامی‌شان و اقدامات و خط‌مشی‌های قهرآمیز و اجباری امنیت از جمله امنیت اجتماعی را می‌خواهند بسترسازی نمایند (غفاری، ۱۳۹۰: ۸۶).

احساس امنیت پدیده‌ای روان‌شناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگون می‌باشد، این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیر مستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامونی است و افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. به لحاظ روش‌شناسی احساس امنیت سازه‌ای چند بعدی است و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف به گونه‌های متفاوت ظهور یافته و به اشکال مختلف نیز قابل سنجش و اندازه‌گیری است. بر این مبنای نظر می‌رسد که احساس امنیت با بسیاری از متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ارتباط داشته باشد. تفسیر درست و یا نادرست افراد و تجارب آن‌ها از شرایط اجتماعی همواره احساس امنیت را در طیفی از احساس امنیت درست و واقعی و کاذب و غیر واقعی قرار می‌دهد. گاهی اوقات ساختارهای اجتماعی و انتظامی جامعه امنیت بالایی را نشان می‌دهند. اما برداشت افراد از فضای اجتماعی یا اطلاعات آنان در مورد دیگران، آنان را در محصه روانی احساس ناامنی قرار می‌دهد. برخی افراد جامعه نیز به خاطر تأمین منافع خویش با پذیرش ریسک‌های گوناگون ناخواسته خود را در معرض احساس ناامنی قرار می‌دهند، که این شرایط خود ساخته با فضایی کلان و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه فاصله دارد و بالعکس گاهی اوقات برخی افراد در فضایی کاملاً ناامن زندگی می‌کنند اما هیچ‌گونه احساس ناامنی نمی‌نمایند.

به عنوان مثال می‌توان به مقایسه میزان سرقت خودرو در دو شهر تهران و توکیو اشاره کرد که هر دو شهر با داشتن حدود ۱۲ میلیون جمعیت (ثابت و شناور) و وجود ۵ میلیون خودرو در توکیو و ۳ میلیون خودرو در تهران میزان سرقت سالانه خودرو در تهران حدود ۱۰ هزار دستگاه ولی در توکیو ۱۰۰ هزار دستگاه است که علی‌رغم میزان بالای سرقت در توکیو نسبت به تهران احساس نگرانی از این وضعیت در توکیو به واسطه وجود نظام تأمین اجتماعی که بلافاصله خودرو از طریق بیمه تأمین می‌شود بسیار پایین‌تر از تهران است. احساس امنیت فرایندهای روانی و اجتماعی است که صرفاً بر افراد تحمیل نمی‌شود، بلکه اکثر افراد جامعه براساس نیازها، علایق، خواسته‌ها و توان‌مندی‌های شخصیتی و روانی خود در ایجاد و از بین بردن آن نقش اساسی دارد. بر اساس تمایز میان مرز احساس و واقعیت می‌توان احساس امنیت

را از امنیت واقعی تفکیک کرد. گاهی ممکن است نا امنی‌هایی در جامعه وجود داشته باشد. ولی مردم احساس امنیت کنند زمانی نیز موارد و مصادیق ایجاد ناامنی کم است اما مردم احساس ناامنی می‌کنند. عوامل و زمینه‌های متعددی در شکل‌گیری فضای احساس ناامنی در جامعه حتی در شرایطی که امنیت عینی قابل قبول باشد، نقش ایفا می‌کنند در این میان نقش مشارکت اجتماعی جایگاه ویژه ای دارد (پایگاه داده‌های اجتماعی پلیس، ۱۳۸۵: ۹۵).

نقش امنیت در هر سطحی و با هرگونه بُعدی در بسترسازی توسعه جوامع انسانی، فراهم آوردن فضای فکری، مدیریت زندگی اجتماعی، مشارکت در روابط اجتماعی و بالاخره زمینه‌سازی برای سعادت دنیوی و اخروی بشر را برای شهروندان هر جامعه‌ای فراهم می‌کند. از این رو امنیت در طول تاریخ رشد و تعالی جوامع انسانی را رقم زده است و بر همین مبنا حوزه‌های مطالعات امنیتی سطوح و ابعاد متعددی را پوشش می‌دهد.

با توجه به چنین اهمیتی امنیت اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های عمده پدیده امنیت جزء نیازهای اساسی انسان و فصل مشترک همه مشکلات انسان از بیماری روانی گرفته تا خودکشی، اعتیاد و بزهکاری است. بحث امنیت اجتماعی به خصوص درتأمین بهداشت اجتماعی و روانی و در کاهش آسیب‌های اجتماعی و روانی، هم‌چنین در گسترش مشارکت اجتماعی، سلامت روانی اهمیت بسیاری دارد. بنابراین آرامش، رفاه، رشد، شکوفایی انسان، بروز استعدادها و خلاقیت‌ها و نیل به تمام کمالات انسان در سایه امنیت از جمله امنیت اجتماعی حاصل خواهد شد.

بر این اساس نظام اجتماعی در هر جامعه ای برای اعمال کارکردهایش نیازمند امنیت اجتماعی است، زیرا شرایط جدید جوامع ناشی از رشد شهرنشینی، و گزلفاشتی شدن روابط اجتماعی موجب این شده که همبستگی‌های اجتماعی، مشارکت‌های مدنی، سرمایه‌های اجتماعی روابط جمعی و ... کاهش یابد و حیات جمعی به سمت فردی شدن و تضعیف کارکردهای نهادهای اجتماعی سوق یابد، و این مسائل باعث رشد آسیب‌های اجتماعی و بروز جرائم و انحرافات اجتماعی در حد وسیع و گسترده می‌گردد؛ از سوی دیگر کار ویژه‌های نهادهای درون نظام اجتماعی در حال کم‌رنگ شدن و کاهش بوده است، به گونه‌ای که ابعاد مختلف امنیت با افزایش جرائم در وضعیت بحرانی شدید قرار گرفته است و فرصت‌ها و خلاقیت‌های شهروندان در حال امحاء بوده و این مسائل باعث شده که نگرانی‌های بسیاری در زمینه حیات جمعی جامعه افزایش یابد. استمرار وجوه امنیت اجتماعی می‌تواند امنیت جامعه و نهادهای اجتماعی را تضمین و تأمین نماید را برای مشارکت سازنده همگان در فرایند تصمیم‌گیری و در نتیجه توسعه جامعه فراهم نماید.

در جامعه‌ای که موضوعاتی چون «فاصله طبقاتی، فقر، فحشاء، اعتیاد، تعارضات بینشی و ایدئولوژیکی، بهداشت، روابط‌شی‌انگارانه رابطه‌های انسانی، تضادها، سوء تفاهم‌ها، سوء تعبیرها، از خود بیگانگی‌ها، گم‌گشتگی، و ...» به عنوان برخی از انحرافات و آسیب‌های اجتماعی مطرح است، طبیعی است که امنیت

اجتماعی مخدوش شده و مشارکت اجتماعی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. از آنجا که یکی از مهم‌ترین اولویت‌های جوامع امروزی، افزایش مشارکت همه اقشار جامعه در فعالیت‌های اجتماعی است. نبود امنیت اجتماعی در جامعه منجر به احساس بیگانگی اجتماعی و فرهنگی و رشد بی تفاوتی‌ها و بسیاری از آسیب‌های دیگر در جامعه می‌شود که عواقب سنگینی در جامعه دارد و از موانع توسعه در جامعه محسوب می‌شود (ایرانزاده، ۱۳۷۵: ۲۱).

مشارکت از دیرباز با زندگی انسان انسان پیوند داشته است. نبود مشارکت اجتماعی در جامعه منجر به احساس بیگانگی اجتماعی و فرهنگی و رشد بی تفاوتی‌ها بسیاری از آسیب‌های دیگر در جامعه می‌شود که عواقب سنگینی در جامعه دارد و از موانع توسعه در جامعه محسوب می‌شود. بی‌شک در ایجاد و گسترش مشارکت اجتماعی و امنیت اجتماعی هم‌چون پدیده‌های دیگر عوامل اجتماعی و اقتصادی مانند میزان تحصیلات، شغل درآمد، پایگاه اقتصادی و اجتماعی می‌توانند دخیل باشند (ترابی و دیگری، ۱۳۸۴: ۲۶).

تحقیق حاضر به منظور بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط انجام میشود. در ضمن شناخت تاثیر متغیرهای گوناگون جنس، پایگاه اجتماعی، شغل، تحصیلات بر میزان مشارکت آنها نیز مد نظر قرار خواهد گرفت.

### ضرورت تحقیق و اهمیت مسئله

نیاز به امنیت از عمیق‌ترین و حیاتی‌ترین نیازهای انسان می‌باشد و در هیچ دوره ای از تاریخ، بشر بی‌نیاز از آن نبوده و نخواهد بود. به خاطر اهمیت این موضوع است که این مسئله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته و در آن بیش از ۳۰ مورد صریحا به بیان موضوع امنیت اجتماعی پرداخته است (خوشفر، ۱۳۸۳: ۲۶).

هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت و تامین آرامش در جامعه نبوده و توسعه اجتماعی و فرهنگی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین انسان برای رسیدن به یک درجه موفقیت در زندگی و برای رسیدن به اهداف والای انسانی، بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی، نیاز به امنیت و احساس امنیت دارد. تا زمانی که فرد احساس امنیت نکند هیچ پیشرفتی نخواهد کرد (عربی، ۱۳۸۳: ۱۹۱). برای دستیابی به توسعه همه جانبه فرهنگی و اجتماعی باید میزان امنیت اجتماعی و مشارکت اجتماعی افزایش یابد. مدارس به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی جامعه برای دستیابی به توسعه اجتماعی و فرهنگی مطرح هستند. زیرا از یک سو مهارت‌ها و نگرش‌های لازم را برای توسعه موجب می‌شود و از سوی دیگر قابلیت‌های لازم را برای سازگاری و انعطاف در برابر رویکردهای جدید و درگیر شدن با تغییرات تکنولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی را فراهم می‌سازد و نیز دانش‌آموزان به‌عنوان رکن اساسی جامعه و آینده‌ساز محسوب

می‌شوند. از آن‌جا که دانش‌آموزان در عرصه‌های مختلف زندگی، مانند دوستان، آشنایان، و همسایه‌ها و ... احساس امنیت داشته باشند، عزت نفس، بهره‌وری، کارآیی و عملکرد تحصیلی‌شان بهبود می‌یابد. بنابراین میزان احساس امنیت در بین دانش‌آموزان بر کیفیت تحصیلات‌شان تاثیر به‌سزایی داشته باشد و موفقیت‌هایشان در عرصه‌های مختلف علمی و اجتماعی افزایش یابد که این امر می‌تواند بر توسعه جامعه گام نخستین و مهم تلقی شود.

افزایش جمعیت، صنعتی شدن و شهرنشینی به عنوان پدیده‌ای فراگیر مخصوصاً در کلانشهرهای بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از جمله ایران و مشکلات ناشی از آن، باعث شده است، بسیاری از نظریه‌پردازان به مشارکت شهروندان در امور شهری توجه خاصی نمایند (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۸۷: ۱).

بنابراین مشارکت به معنای عام آن از دیر باز با زندگی انسان پیوند داشته و همراه با تکامل او تحول یافته است. مشارکت به مفهوم امروزی مدنظر نگارنده، پس از جنگ جهانی دوم در برخی از کشورهای صنعتی جهان به ویژه آن‌ها که در جنگ شکست خورده و ویرانی بسیاری را متحمل شده بودند در قلمرو اقتصادی و صنعتی آغاز شد. با این‌که اندیشه مشارکت در تمامی ابعاد زندگی شکل گرفته است لیکن هنوز آن‌گونه که باید و شاید مشارکت در همه ابعاد زندگی گسترش نیافته است. در میان عواملی که از گسترش سریع مشارکت جلوگیری می‌کنند، نبود فلسفه‌ای که زیرساز کوشش‌های مشارکت جویانه را فراهم آورد و میزان آن را افزایش داده و فهم آن را آسان گرداند و به آن تعهد بیفزاید کاملاً در خور توجه است. بنیادی‌ترین اندیشه بسترساز مشارکت پذیرش اصل برابری و ایجاد امنیت برای انسان‌هاست. انسان‌ها هر گاه در پیوند با همدیگر اهمیت و وزن برابر یابند و دغدغه‌های کمتری داشته باشد مشارکت به معنای واقعی کلمه پدید خواهد آمد.

مفهوم امنیت ناظر بر سلامت افراد جامعه در مقابل اقدامات خشونت‌آمیز و رفع دغدغه‌های ذهنی (احساس عدم امنیت) شهروندان است. زیرا اگر اعضای یک جامعه نسبت به ارزش‌های حیاتی‌مانند تمامیت ارضی و رژیم سیاسی احساس تعلق کرده و در احیاء و ارتقای هویت ملی بکوشند انسجام اجتماعی وجود خواهد داشت. اما اگر این گروه‌ها اطمینان خاطر خود را نسبت به سلامت جامعه از دست دهند و با تکیه بر تمایز مذهبی، دینی و قومی در مشروعیت ارزش‌های حیاتی تردید کنند. آن‌گاه نظام اجتماعی گسیخته و زمینه برای جنگ داخلی، مداخله خارجی و امنیتی شدن مسائل مهیا می‌شود و زمینه مشارکت اجتماعی کم رنگ می‌شود (مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

چون مشارکت اجتماعی می‌تواند تابعی از امنیت و عوامل مرتبط با این پدیده باشد. لذا فقدان یا اختلال در امنیت، پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده‌ای برای دولت‌ها داشته که در صورت عدم تحقق آن مانع تحقق اهداف و تهدیدکننده ارزش‌ها و کمال مطلوب نظم اجتماعی و توسعه جامعه خواهد شد است (توسلی، ۱۳۶۹: ۲۴۱)

در همین رابطه دولت‌ها و نظام‌های سیاسی سالانه بودجه هنگفتی را هزینه می‌نمایند. تحقیقات و نظرسنجی‌هایی که همه ساله از سوی دولت‌ها در سطح کشورها به اجرا در می‌آید، نمونه ای از آن‌هاست. به عنوان مثال نتیجه نظرخواهی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسنا) بیانگر آنست که ۸۱ درصد ایرانیان به گونه‌ای احساس ناامنی می‌نمایند (کلاهیچیان، ۱۳۸۴: ۱۵۴).

مشارکت قشر دانش‌آموز به عنوان پل ارتباطی بین مردم و قدرت‌های حاکم باعث به بار نشستن آرمان‌های توده مردم می‌شود. پس شناخت میزان مشارکت دانش‌آموزان عوامل تعیین کننده آن در امور اجتماعی و فرایند تصمیم‌گیری ضروری به نظر می‌رسد.

هدف اصلی تحقیق، تعیین رابطه میزان احساس امنیت اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط و اهداف اختصاصی آن عبارتند از:

- تعیین رابطه میزان احساس امنیت سیاسی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط
- تعیین رابطه میزان احساس امنیت جانی و میزان احساس مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط
- تعیین رابطه میزان احساس امنیت مالی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط
- تعیین رابطه میزان احساس امنیت فرهنگی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط
- تعیین تفاوت میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان، بر حسب جنس آنها
- تعیین تفاوت میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط بر حسب سطح پایگاه اجتماعی آن‌ها.

#### پیشینه

ساروخانی و هاشمی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی نگرش جوانان شهر ساری به مشارکت اجتماعی و احساسی امنیت اجتماعی در بین آن‌ها پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه جوانان ۱۵-۲۹ سال شهر ساری تشکیل داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین مشارکت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان شهر ساری رابطه معناداری وجود دارد.

«بررسی عوامل موثر به میزان احساس امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان تهرانی» به سفارش معاونت اجتماعی ناجا در سال ۱۳۸۲ و توسط مرکز افکارسنجی دانشجویان (ایسپا) انجام شده است. حجم نمونه این تحقیق ۱۴۷ نفر از افراد بالای ۱۸ سال مناطق ۲۲گانه تهران بوده است. در چارچوب نظری

این تحقیق از نظریه‌های مرتون، مورز و دیگران استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله از این تحقیق مشخص شده است که میزان احساس امنیت در محل سکونت اکثر پاسخگویان در حد کمی دارد. پاسخگویان در تعامل با محیط اجتماعی خود از سوی دیگران احساس امنیت نمی‌کنند و حدود ۴۰ درصد از پاسخگویان میزان امنیت را در منطقه زندگی خود زیاد ارزیابی کرده و ۶۰ درصد از آنان میزان امنیت در شهر تهران را کم و بسیار کم دانسته‌اند. اکثر پاسخگویان عملکرد نیروی انتظامی را در خصوص ایجاد و حفظ امنیت مطلوب ارزیابی کرده‌اند. در بخش مربوط به نتایج دو متغیره تحقیق مشخص شده است که بین درآمد افراد و میزان امنیت اجتماعی آنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. اما در کل می‌توان نتیجه گرفت که میزان امنیت اجتماعی شهروندان تهرانی در حد کمی قرار دارد (ایسپا، ۱۳۸۳).

«امنیت اجتماعی در سندج» عنوان تحقیق دیگری است که در سال ۱۳۸۴ توسط جمیل صمدی بگه جان به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران انجام یافته است. هدف اصلی این مطالعه سنجش میزان امنیت اجتماعی و احساس امنیت در میان ساکنین شهر سندج بود که جامعه آماری آن کلیه شهروندان کُرد بالای ۱۸ سال ساکن در مناطق حاشیه و مرکزی شهر سندج بود و روش جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق مصاحبه عمیق می‌باشد. تئوری‌های نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ از جمله باری بوزان، آل ویور و مولر، شکل دهنده اساس چارچوب نظری این تحقیق بوده است.

بر اساس نتایجی که از مصاحبه با ۶۰ نفر از ساکنین حاشیه و مرکز سندج به دست آمده، مشخص شده است که ۷۰ درصد مصاحبه‌شونده‌ها بر سرقت و قتل به عنوان عوامل اصلی احساس ناامنی تاکید کرده‌اند. در خصوص سیاسی، هویتی قومی و مذهبی پاسخگویان ۷۰ درصد از سوی سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی، زمانی که فرد برای گرفتن امتیازی (استخدام در ادارات، گزینش در کنکور، کار کردن در یک شرکت و غیره) با شخصی از هویت قومی و مذهبی متمایز رقابت می‌کنند، مورد تهدید قرار گرفته‌اند. ۷۰ درصد از پاسخگویان این گروه معتقدند که امنیت سیاسی وجود نداشته و اگر یکی از وابستگان نزدیک فعالیت سیاسی داشته، امتیازاتی را از آن‌ها گرفته‌اند و امنیت آن‌ها تهدید شده است. در گروهی دیگر از افراد مورد مطالعه که به قاچاق کالا اشتغال داشته‌اند نیز اشاره کرده‌اند که موقعیت‌هایی برای دوستان‌شان پیش آمده که به صرف سنی یا کرد بودن، از سوی ارگان‌های رسمی مورد تهدید قرار گرفته‌اند.

در کل، ۲۰ درصد از سالمندان و میانسالان معتقدند که در موقعیت‌های پیش آمده که مذهب و قومیت معیار امتیاز بوده، به صرف سنی یا کرد بودن از استخدام در ادارات جلوگیری شده است اما جوانان در این باره نظر عکس داشته‌اند، به طوری که موقعیت تهدیدزایی برای ۶۰ درصد از جوانان به علت سنی یا کرد بودن پیش آمده و از استخدام و به وجود آمدن فرصت‌های مناسب کاری برای آن‌ها جلوگیری به عمل آمده است (صمدی بگه‌جان، ۱۳۸۴: ۱۲۲)

خوشفر (۱۳۷۸) تحقیقی با عنوان «بررسی مشارکت مردم در ایجاد حفظ و گسترش امنیت اجتماعی» انجام داده است. این تحقیق به روش پیمایشی و برای ساکنان ۲۰ سال به بالای مراکز شهرستان‌های استان مازندران به انجام رسیده است.

جوادی‌نیا (۱۳۷۹) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل موثر بر میزان مشارکت پسران دبیرستان شهرستان کرج در فعالیت‌های فوق‌برنامه درس» انجام داده است. اهداف تحقیق عبارتند از شناخت عواملی که بر مشارکت دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارد که با شناخت این عوامل می‌توان راهکارهایی در جهت افزایش زمینه‌های مشارکتی ارائه کرد که در نهایت با گسترش مشارکت در سطح مدارس شاهد رشد خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان، اعتلای شخصیت آنان و جلوگیری از بروز انحرافات اجتماعی در محیط‌های گرم آموزشی هستیم.

مصطفی کامل‌السعید (۱۳۸۱) مطالعه‌ای با عنوان مشروعیت و امنیت در کشورهای عربی به سنجش و مقایسه امنیت عمومی شامل (امنیت رژیم و جامعه) در کشورهای مصر، الجزایر، عراق لیبی و عربستان سعودی در فاصله سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۶ اقدام کرد.

روش مطالعه اسنادی بوده و داده‌های آنان بر اساس آمار و اطلاعات منتشر شده سازمان‌های حقوق بشر و سایر منابع رسمی جمع‌آوری شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که از میان کشورهای بررسی شده عربستان سعودی بیشترین میزان امنیت و مشروعیت را داراست. دو کشور مصر و لیبی با وجود تفاوت در ساختار سیاسی شان رتبه دوم را دارند. الجزایر به دلیل جنگ‌های داخلی و عراق به دلیل جنگ دوم خلیج فارس چهارمین و پنجمین مقام را به خود اختصاص داده اند (کامل‌السعید، ۱۳۸۱).

### فرضیه‌ها

- بین میزان احساس امنیت سیاسی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان شهر شوط رابطه وجود دارد.
- بین میزان احساس امنیت جانی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان شهر شوط رابطه وجود دارد.
- بین میزان احساس امنیت مالی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط رابطه وجود دارد.
- بین میزان احساس امنیت فرهنگی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط رابطه وجود دارد.
- میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان، بر حسب جنس آن‌ها متفاوت است.
- میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان، بر حسب سطح پایگاه اجتماعی آن‌ها متفاوت است.



### تعریف متغیرها

#### امنیت اجتماعی

مفهوم امنیت اجتماعی را به اختصار می‌توان به عنوان امنیت از خطرانی که متوجه ارزش‌های اجتماعی افراد و اعضای یک جامعه یا مصونیت از احساس احتمال خطر نسبت به حفظ و بقای این ارزش‌های اجتماعی است تعریف کرد (مولر؛ ۲۰۰۰؛ افشار، ۱۳۸۵). امنیت و احساس امنیت به لحاظ این که مفاهیمی عینی و ذهنی هستند به سختی می‌توان آن را تعریف کرد. تعریف لغوی امنیت عبارت است از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی) احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) است (بوزان ۱۹۸۳: ۵۲؛ به نقل از عربی، ۱۳۸۴: ۱۹۳).

#### مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی به همکاری و روابط هدف‌مند افراد در جهت نیل به اهداف مشترک گروه و جامعه اطلاق می‌شود یکی از کامل‌ترین تعاریف مشارکت توسط «آبهوف» و «کوهن» بیان شده است آبهوف و کوهن بیش از هر چیز به دخالت مردم در فرایند تصمیم‌گیری تاکید دارند و معتقدند «مشارکت یعنی شرکت افراد در تصمیم‌گیری، اجراء ارزشیابی و تقسیم منافع حاصل از یک پروژه» (آبهوف و کوهن ۴۰: ۱۹۹۶). از دیدگاه واژه‌شناسی، مفهوم مشارکت با تعاون، همیاری و دیگر یاری متفاوت است. هر چند که در بعضی از متون، این کلمات را به صورت معادل به کار می‌برند.

#### تعریف عملیاتی احساس امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی با توجه به نظریه پارسونز که توسط چلبی بسط داده شده ناظر به چهار بعد امنیت مالی، امنیت جانی، امنیت فکری و امنیت جمعی است. همچنین باری بوزان که یکی از نظریه‌پردازان معاصر در حوزه امنیت اجتماعی است، هویت و تهدیدات متوجه به آن را اساس مطالعات امنیت اجتماعی می‌داند.

در این تحقیق با توجه به جمع‌بندی تعاریف و نظریه‌های مختلف در خصوص امنیت اجتماعی چهار بعد برای سنجش متغیر امنیت اجتماعی طراحی شده است که عبارتند از: ۱. امنیت جانی، ۲. امنیت مالی، ۳. امنیت سیاسی، ۴. امنیت فرهنگی. در بین ابعاد مذکور، امنیت جانی و امنیت مالی به بسط نظریه پارسونز توسط چلبی مربوط بوده و ابعاد دیگر نیز علاوه بر در ارتباط بودن با مباحث مذکور در حوزه امنیت فکری، با مباحث مطرح شده توسط باری بوزان و سایر اعضای مکتب کپنهاگ نیز به لحاظ توجه به امنیت فرهنگی، تعاریف عملیاتی هر یک از ابعاد در ذیل ارائه می‌شود:

۱. امنیت جانی، امنیت جانی معطوف به میزان اطمینان افراد و اعضای جامعه از حیث حفظ سلامت و زندگی آنان در برابر حوادث و سوانح و همچنین خشونت‌های محتمل در جامعه است. سوالات ۳۱ تا ۳۳

<sup>1</sup>. Moller

برای سنجش میزان احساس امنیت از این حیث، طراحی شده اند.

۲. امنیت مالی: منظور از بررسی امنیت مالی در این تحقیق بررسی میزان اطمینان دانش‌آموزان در خصوص حفظ خود و مصونیت از سرقت و دزدی آنان و همچنین نظر آنان در باب میزان دزدی و سرقت در جامعه است. گویه‌های ۳۴ تا ۳۶ برای سنجش این بعد از متغیر امنیت اجتماعی طراحی شده است.
۳. امنیت سیاسی: بعد امنیت سیاسی به منظور بررسی میزان احساس امنیت دانش‌آموزان از حیث نقد مسئولان اجرایی و عدم به وجود آمدن مخاطرات اجتماعی و سیاسی برای آنان در صورت اعتراض به مشکلات صنفی. بدین منظور گویه‌های ۳۷ تا ۳۹ طراحی شده است.
۴. امنیت فرهنگی: این بعد از متغیر امنیت اجتماعی معطوف به هویت اجتماعی افراد در مباحث مربوط به نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ است که به بررسی میزان احساس امنیت افراد در رابطه با حفظ فرهنگ بومی و محلی، آزادی اندیشمندان و سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی کشور با فرهنگ محلی دانش‌آموزان که در نهایت به حفظ فرهنگ و سنن آنان می‌انجامد.

### روش تحقیق

در این تحقیق به لحاظ گستردگی جامعه آماری و همچنین به تناسب هدف تحقیق از روش پیمایش استفاده گردید و از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه شهر شوط که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بوده‌اند می‌باشد. تعداد این دانش‌آموزان ۱۹۶۱ نفر می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۲۰ نفر به دست آمد که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده‌اند.

### یافته‌ها

- فرضیه اول: بین میزان احساس امنیت سیاسی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط رابطه وجود دارد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه احساس امنیت سیاسی دارای میانگین (۲۹/۵۵) و انحراف معیار (۳/۰۵) می‌باشد و متغیر میزان مشارکت اجتماعی دارای میانگین (۶۴/۳۹) و انحراف معیار (۵/۳۳) می‌باشد. هم‌چنین، یافته‌ها بیانگر این است که ضریب همبستگی بین احساس امنیت سیاسی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان برابر با  $r=0/431$  و  $sig=0/001$  می‌باشد. لذا به لحاظ آماری این طور می‌توان بیان داشت که بین احساس امنیت سیاسی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به این معنی که، با احساس امنیت سیاسی، میزان مشارکت اجتماعی بیشتر می‌شود. (جدول شماره ۱)

جدول شماره (۱): ضریب همبستگی بین احساس امنیت سیاسی و

## میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب پیرسون	سطح معناداری
احساس امنیت سیاسی	۳۲۰	۲۹/۵۵	۳/۰۵	۰/۴۳۱	۰/۰۰۱
میزان مشارکت اجتماعی	۳۲۰	۶۴/۳۹	۵/۳۳		

- فرضیه دوم: بین میزان احساس امنیت‌جانی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط رابطه وجود دارد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه احساس امنیت‌جانی دارای میانگین (۲۸/۹۰) و انحراف معیار (۳/۳۷) می‌باشد و متغیر میزان مشارکت اجتماعی دارای میانگین (۶۴/۳۹) و انحراف معیار (۵/۳۳) می‌باشد. هم-چنین، یافته‌ها بیانگر این است که ضریب همبستگی بین احساس امنیت‌جانی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان برابر با  $r=۰/۲۱۸$  و  $Sig=۰/۰۰۱$  می‌باشد. لذا به لحاظ آماری این طور می‌توان بیان داشت که بین احساس امنیت‌جانی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به این معنی که، با احساس امنیت‌جانی، میزان مشارکت اجتماعی بیشتر می‌شود. (جدول شماره ۲)

جدول شماره (۲): ضریب همبستگی بین احساس امنیت‌جانی و

## میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب پیرسون	سطح معناداری
احساس امنیت‌جانی	۳۲۰	۲۸/۹۰	۳/۳۷	۰/۲۱۸	۰/۰۰۱
میزان مشارکت اجتماعی	۳۲۰	۶۴/۳۹	۵/۳۳		

- فرضیه سوم: بین میزان احساس امنیت‌مالی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط رابطه وجود دارد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه احساس امنیت‌مالی دارای میانگین (۱۶/۵۳) و انحراف معیار (۲/۹۵) می‌باشد و متغیر میزان مشارکت اجتماعی دارای میانگین (۶۴/۳۹) و انحراف معیار (۵/۳۳) می‌باشد. هم-چنین، یافته‌ها بیانگر این است که ضریب همبستگی بین احساس امنیت‌مالی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان برابر با  $r=۰/۲۵۳$  و  $Sig=۰/۰۰۱$  می‌باشد. لذا به لحاظ آماری این طور می‌توان بیان داشت که بین احساس امنیت‌مالی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به این معنی که، با احساس امنیت‌مالی، میزان مشارکت اجتماعی بیشتر می‌شود. (جدول شماره ۳)

## جدول شماره (۳): ضریب همبستگی بین احساس امنیت مالی و

## میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب پیرسون	سطح معناداری
احساس امنیت مالی	۳۲۰	۱۶/۵۳	۲/۹۵	۰/۲۵۳	۰/۰۰۱
میزان مشارکت اجتماعی	۳۲۰	۶۴/۳۹	۵/۳۳		

- فرضیه چهارم: بین میزان احساس امنیت فرهنگی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط رابطه وجود دارد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه احساس امنیت فرهنگی دارای میانگین (۲۹/۷۷) و انحراف معیار (۴/۰۰) می‌باشد و متغیر میزان مشارکت اجتماعی دارای میانگین (۶۴/۳۹) و انحراف معیار (۵/۳۳) می‌باشد. هم‌چنین، یافته‌ها بیانگر این است که ضریب همبستگی بین احساس امنیت فرهنگی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان برابر با  $r=۰/۳۵۹$  و  $sig=۰/۰۰۱$  می‌باشد. لذا به لحاظ آماری این طور می‌توان بیان داشت که بین احساس امنیت فرهنگی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به این معنی که، با احساس امنیت فرهنگی، میزان مشارکت اجتماعی بیشتر می‌شود. (جدول شماره ۴)

## جدول شماره (۴): ضریب همبستگی بین احساس امنیت فرهنگی و

## میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب پیرسون	سطح معناداری
احساس امنیت فرهنگی	۳۲۰	۲۹/۷۷	۴/۰۰	۰/۳۵۹	۰/۰۰۱
میزان مشارکت اجتماعی	۳۲۰	۶۴/۳۹	۵/۳۳		

- فرضیه پنجم: بین دختران و پسران دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط از نظر میزان مشارکت اجتماعی تفاوت وجود دارد.

نتایج حاصل از یافته‌ها نشان می‌دهد، میانگین و انحراف معیار میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان پسر به ترتیب (۶۴/۱۸) و (۵/۴۶) و میانگین و انحراف معیار مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان دختر به ترتیب (۶۴/۶۳) و (۵/۱۹) می‌باشد. هم‌چنین، مقدار  $t$  محاسبه شده (۰/۷۵۲) با درجه آزادی ۳۱۸ معنادار نمی‌باشند. لذا به لحاظ آماری این طور می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در متغیر میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان بر اساس متغیر جنسیت تفاوت معنادار نمی‌باشد. (جدول شماره ۵)

جدول شماره (۵): بررسی وضعیت میزان مشارکت اجتماعی

دانش‌آموزان بر اساس متغیر جنسیت						
متغیر	متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی
مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان	پسر	۱۷۱	۶۴/۱۸	۵/۴۶	۰/۷۵۲	۳۱۸
	دختر	۱۴۹	۶۴/۶۳	۵/۱۹		
سطح معناداری		۰/۳۵۹				

- فرضیه ششم: بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط تفاوت وجود دارد.

نتایج حاصل از یافته‌ها نشان می‌دهد که مقدار F محاسبه شده (۰/۸۰۴) با درجات آزادی (۱۳ و ۳۰۶) معنی‌دار نمی‌باشد. لذا به لحاظ آماری این طور می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در متغیر میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان بر اساس پایگاه اجتماعی و اقتصادی تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول شماره (۶): بررسی میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان

بر اساس پایگاه اجتماعی و اقتصادی					
متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	سطح معناداری
مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان	بین گروهی	۱۳	۲۳/۰۸۷	۰/۸۰۴	۰/۶۵۶
	درون گروهی	۳۰۶	۲۸/۷۳۴		
مجموع		۳۱۹	۹۰۹۲/۵۹۷		

نتایج حاصل از این تحقیق همسو با نتایج تحقیق (ساروخانی و هاشمی، ۱۳۹۰؛ صمدی بگه‌جان، ۱۳۸۴؛ ایسپا ۱۳۸۳؛ جوادی نیا، ۱۳۷۹؛ خوشفر، ۱۳۷۸) می‌باشد.

نتایج پژوهش ساروخانی و هاشمی (۱۳۹۰)، نشان داد که بین مشارکت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان شهر ساری رابطه معناداری وجود دارد. صمدی بگه‌جان (۱۳۸۴)، در پژوهشی با عنوان «امنیت اجتماعی در سندج» به این نتایج دست یافت که ۷۰ درصد مصاحبه‌شونده‌ها بر سرقت و قتل به عنوان عوامل اصلی احساس ناامنی تاکید کرده‌اند. در خصوص سیاسی، هویتی قومی و مذهبی پاسخگویان ۷۰ درصد از سوی سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی، زمانی که فرد برای گرفتن امتیازی (استخدام در ادارات، گزینش در کنکور، کارکردن در یک شرکت و غیره) با شخصی از هویت قومی و مذهبی متمایز رقابت می‌کنند، مورد تهدید قرار گرفته‌اند. ۷۰ درصد از پاسخگویان این گروه معتقدند که امنیت سیاسی وجود نداشته و اگر یکی از وابستگان نزدیک آن‌ها فعالیت سیاسی داشته، امتیازاتی را از آن‌ها گرفته‌اند و امنیت آن‌ها تهدید شده است. در گروهی دیگر از افراد مورد مطالعه که به قاچاق کالا اشتغال داشته‌اند نیز اشاره کرده‌اند که موقعیت‌هایی برای دوستان‌شان پیش آمده که به صرف سنی یا کرد بودن، از سوی ارگان‌های رسمی مورد تهدید قرار گرفته‌اند. در کل، ۲۰ درصد از سالمندان و میانسالان

معتقدند که در موقعیت‌های پیش آمده که مذهب و قومیت معیار امتیاز بوده، به صرف سنی یا کرد بودن از استخدام در ادارات جلوگیری شده است اما جوانان در این باره نظر عکس داشته اند، به طوری که موقعیت تهدیدزدایی برای ۶۰ درصد از جوانان به علت سنی یا کرد بودن پیش آمده و از استخدام و به وجود آمدن فرصت‌های مناسب کاری برای آن‌ها جلوگیری به عمل آمده است.

ایسپا (۱۳۸۳)، در پژوهشی و در «بررسی عوامل موثر به میزان احساس امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان تهرانی»، به این نتایج دست یافتند که میزان احساس امنیت در محل سکونت اکثر پاسخگویان در حد کمی دارد. پاسخگویان در تعامل با محیط اجتماعی خود از سوی دیگران احساس امنیت نمی‌کنند و حدود ۴۰ درصد از پاسخگویان میزان امنیت را در منطقه زندگی خود زیاد ارزیابی کرده و ۶۰ درصد از آنان میزان امنیت در شهر تهران را کم و بسیار کم دانسته‌اند. اکثر پاسخگویان عملکرد نیروی انتظامی را در خصوص ایجاد و حفظ امنیت مطلوب ارزیابی کرده‌اند. دربخش مربوط به نتایج دومتغیره تحقیق مشخص شده است که بین درآمد افراد و میزان امنیت اجتماعی آنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. اما درکل می‌توان نتیجه گرفت که میزان امنیت اجتماعی شهروندان تهرانی در حد کمی قرار دارد که در مجموع در رابطه با این تحقیق می‌توان گفت این پیمایش از چارچوب و روش علمی قابل قبولی برخوردار است، لیکن محققان در بخش چارچوب نظری توجهی به نظریه‌های مکتب کپنهاگ، نظیر نظریه بوزان و ویور نداشته‌اند و در نتیجه از بعد فرهنگی و هویتی امنیت اجتماعی که از ابعاد اساسی این متغیر محسوب می‌شوند غفلت شده است. کرکه‌آبادی (۱۳۷۳) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل موثر به میزان مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدارس راهنمایی شهر تهران» انجام داده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که تاثیر پنداشت دانش‌آموزان از خود، پنداشت دانش‌آموزان از مدرسه خود، پنداشت دانش‌آموزان از اولیای مدرسه و معلمین و خانواده خود بر سطح مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدرسه‌ای تاثیر معناداری داشته است.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که بین میزان احساس امنیت سیاسی، جانی، مالی و فرهنگی با میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد که این نتیجه همسو با مطالعات نظری و نظریات مرتبط با این متغیرها و هم‌چنین همسو با نتایج تحقیقات تجربی داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق می‌باشد. بر اساس نتایج تحقیق به نظر می‌رسد میزان مشارکت دانش‌آموزان با شاخص‌های توسعه‌انسانی فاصله قابل توجهی دارد و این مساله اقدامات و تلاش‌های کارشناسانه و مستمر برنامه‌ریزان و مسئولین را طلب می‌کند زیرا نهاد آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد زیربنایی در تعلیم و تربیت محسوب می‌شود و در سرنوشت و میزان توسعه یافتگی جامعه تاثیر

مستقیم دارد. نهاد آموزش و پرورش می‌تواند با برنامه‌های تربیتی خود زمینه شکوفایی استعداد های افراد را فراهم سازد و با توجه به نتایج به دست آمده در زمینه مشارکت پایین‌تر دخترها نسبت به پسرها لازم است برای رسیدن به توسعه پایدار و همه‌جانبه همه افراد جامعه (دختر و پسر) شیوه‌های جدیدی اتخاذ نمایند تا انگیزه لازم مشارکت فارغ از کلیشه‌های جنسیتی در مدرسه و جامعه فراهم شود و دخترها نیز چون پسرها استقلال و اعتماد به نفس بالایی به دست آورند. البته نهاد آموزش و پرورش می‌تواند بخشی از این مسئولیت را به عهده گیرد و این امر مستلزم همکاری سایر نهادهای فرهنگی و اجتماعی، نظام و انتظامی و قضایی جامعه است. با توجه به تغییر شرایط جامعه و آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با دانش و فناوری‌های جدید به نظر می‌رسد شکل مشارکت دانش‌آموزان نیز تغییر کرده است و شیوه‌های مشارکت قبلی برای دانش‌آموزان جذابیت چندانی ندارد. بنابراین، با توجه به نظریات گیدنز و سیورالا می‌توان گفت که امروزه شکل و نوع مشارکت تغییر کرده است و افراد در واقع به بازاندیشی رفتار خود می‌پردازند و براساس عقلانیت نوع رفتار خود را انتخاب می‌کنند. بنابراین، دانش‌آموزان نیز بر همین اساس فعالیت‌ها خود را در ارتباط با اهداف و اولویت‌های تحصیلی و شغلی خود انتخاب می‌کنند. پس لازم است که برنامه‌ریزان آموزشی با در نظر گرفتن این شرایط و حساس بودن وضعیت دانش‌آموزان هم از لحاظ روانی و هم آینده‌کشور باید زمینه‌های مشارکت جدیدتر و جذاب‌تر را برای دانش‌آموزان فراهم نمایند به گونه‌ای که این فعالیت‌ها هم نیازهای روانی و شخصیتی آن‌ها را فراهم نماید و هم این‌که برای ورود به جامعه اصول جامعه مدنی و شهروندی را نیز فرا گیرد. هر اندازه دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدرسه مشارکت داشته باشند در آینده نیز برای مشارکت در جامعه انگیزه بیشتری خواهند داشت چون فضای مشارکتی و دموکراسی برای آن‌ها نهادینه شده است و به سرنوشت کشور خود تعلق و تعهد خاصی خواهند داشت در این صورت است که ما می‌توانیم شاهد تحقق توسعه پایدار در جامعه باشیم.

### منابع

- افتخاری، ا. (۱۳۸۲). روش‌شناسی اثباتی در مطالعات امنیتی. *مطالعات راهبردی*. تهران، شماره ۱۵.
- افشار، ز. ا. (۱۳۸۵). *امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ایسپا، ا. (۱۳۸۲). *بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان تهرانی*. مرکز افکارسنجی دانشجویان (ایسپا)، تهران.
- بشیریه، ح. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی سیاسی؛ نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. تهران: نشر نی. چاپ نهم.
- بوزان، ب. (الف). (۱۳۸۰). امنیت کشور، نظم نوین جهانی و فراسوی آن. ترجمه: ا. پارساپور. *فصلنامه فرهنگ اندیشه*. تهران، سال اول، شماره‌های ۳ و ۴.
- بوزان، ب. (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*. ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران.
- پوتنام، ر. (۱۳۷۹). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه: م. ت. دلفروز. تهران: انتشارات وزارت کشور.
- چلبی، م. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی.
- خوشفر، غ. ر. (۱۳۷۸). *بررسی میزان مشارکت مردم در ایجاد امنیت اجتماعی شهرستان‌های استان مازندران*. معاونت پژوهشی استانداری مازندران.

- ریتزر، ج. (۱۳۸۱). **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. ترجمه: م، ثلاثی. تهران: انتشارات علمی. چاپ ششم.
- شریفی دریاز، م. (۱۳۸۴). **بررسی اقتدارگرایی و عوامل مؤثر بر آن با تاکید بر احساس امنیت**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- صمدی بگه‌جان، ج. (۱۳۸۴). **امنیت اجتماعی در شهر سنندج**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- کریمی، ی. (۱۳۷۵). **روان‌شناسی اجتماعی**. تهران: ارسباران.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۸). **تجدد و تشخیص**. ترجمه: ن، موفقیان. تهران: نشر نی.
- مولر، ج. (۱۳۸۶). **استدلال آماری در جامعه‌شناسی**. ترجمه: ه، ناییب. تهران: نشر نی.
- نوذری، ح. (۱۳۸۱). **بازخوانی هابرماس؛ درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های یورگن هابرماس**. تهران: نشر چشمه.
- نویدنیاء، م. (۱۳۸۲). **درآمدی بر امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی**. تهران: سال ششم، شماره ۱۹، صفحه ۷۶-۵۵.
- ولی‌پور زرومی، ج. (۱۳۸۳). **گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران**. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ویور، ا. (۱۳۸۰). **امنیتی‌کردن و غیرامنیتی‌کردن**. ترجمه: م، ع، صدوقی. **فصلنامه فرهنگ‌اندیشه**. تهران: سال اول، شماره‌های ۳ و ۴.
- Aizen, I & fishbein, m. (1980). **unders tanding attitude and predicting social behavior** englewoodcilffs. ng: prentice-hall.